

زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری^۱

فردین علیخواه*، مریم نجیبی ربیعی**

طرح مسأله: ترس از قربانی جرائم شدن در بین زنان یکی از موضوعات برجسته در مطالعات جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی انحرافات است. در این مقاله نتایج پژوهشی ارائه می‌شود که تلاش داشته است وضعیت ترس از جرم را در فضاهای عمومی در بین زنان شهر تهران مطالعه کند.

روش: در این تحقیق از روش‌های کیفی و کمی استفاده شده است؛ بدین ترتیب که بعد از بررسی نظریه‌های تبیین‌گر و تهیه مدل و ارائه فرضیه و نیز برگزاری چندین جلسه متمرکز گروهی با زنان در مناطق مختلف شهر، پرسش‌نامه‌ای تهیه و در بین ۸۰۰ نفر از زنان ساکن در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران اجرا شده است.

یافته‌ها و نتایج: یافته‌ها حاکی از آن است که حدود ۴۸ درصد زنان در حد زیاد، ۳۳ درصد در حد متوسط و ۱۹ درصد در حد کم در فضاهای شهری نسبت به تهدید جرائم دچار ترس و واکنش‌اند. به بیان دیگر حدود نیمی از زنان به هنگام تردد در شهر احساس امنیت ندارند. در بین زنان تحصیل کرده و دارای درآمد بالا، زنانی که در محله آن‌ها ساختمان‌ها و زمین‌های متروکه کم‌تر بوده و زنانی که از فعالیت‌های پلیس رضایت بیشتری داشته‌اند میزان ترس از جرم کم‌تر بوده است.

کلید واژه‌ها: اماکن عمومی، ترس از جرم، ترس قربانی شدن، خشونت خیابانی، زنان

تاریخ پذیرش: ۸۵/۸/۲۳

تاریخ دریافت: ۸۵/۳/۲۰

۱. این مقاله برگرفته از پژوهشی است که با همین عنوان در سال ۱۳۸۴ به سفارش دفتر امور زنان وزارت کشور انجام شده است. در اینجا لازم می‌دانیم تا از دکتر پرویز پیران مشاور علمی و دکتر اصغر افتخاری ناظر علمی طرح، نهایت تشکر را داشته باشیم.

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی <Falikhah@yahoo.com>

** کارشناس ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی

مقدمه

پیوند مفهوم شهر و جرم از زمانی که جامعه‌شناسی هویت علمی مستقلی یافت همواره در کنار یکدیگر مورد بررسی قرار گرفته است. پارک (R. E. Park) و برگس (E. W. Burgess) در تبیین شیوع انحرافات و آسیب‌های اجتماعی شهر شیکاگو بر پدیده شهرنشینی متمرکز شده و بر زبان، قومیت، مهاجرت، حوزه‌های سکونتگاهی و تراکم جمعیت تأکید ورزیدند. پارک بر این باور بود که نواحی شهری از انگیزه‌ها و غرایز ساکنان ممانعت می‌کند و انحرافات اجتماعی را سبب می‌شود. سازمان فیزیکی شهر تأثیری عمیق بر الگوهای فرهنگی - اجتماعی زندگی شهری دارد (احمدی، ۱۳۸۴: ۵۶).

وجود چنین پتانسیل‌هایی در زندگی شهری موجب آن می‌شود که ساکنین شهرهای بزرگ در زمینهٔ برخورد یا چگونگی مواجهه با جرائم پیش‌رو دچار نگرانی‌ها^۱ و ترس‌هایی^۲ باشند. در واقع پنداشت جرم به برداشت یا پنداشت شهروندان در خصوص وضعیت جرایم در شهر یا محل سکونت‌شان ارتباط می‌یابد. این چنین پنداشتی بر سایر ابعاد ذهنی شهروندان نیز تأثیر خواهد نهاد و باعث تقویت یا تعدیل آن چیزی خواهد شد که در جرم‌شناسی ترس از جرایم^۳ نامیده می‌شود. در دهه‌های گذشته این مفهوم اهمیت به‌سزایی یافته و تحقیقات مختلفی در زمینهٔ سنجش آن انجام شده است.

طبق تحقیقات مختلف، ترس از جرائم در همهٔ گروه‌های جنسی، سنی، قومی، مذهبی و شغلی به یک اندازه نیست. مسئله‌ای که در سال‌های اخیر توجه بسیاری از پژوهشگران عرصهٔ جرایم شهری را به خود جلب کرده است تأثیر جنسیت بر میزان ترس از جرم است. تحقیقات مختلف بیانگر آن است که زنان بیشتر از مردان از وقوع جرائم می‌ترسند.

در این مطالعه تلاش شده است تا زمینه‌های ترس از جرائم در بین زنان بررسی شود و عوامل مؤثر بر نگرانی‌ها و ترس‌های زنان در فضاهای عمومی و محیط شهری شناسایی

1. Anxiety
2. Fears
3. Fear of Crimes

گردد. پرسش اصلی این پژوهش آن است که:

میزان ترس از جرائم در فضاهای عمومی شهری در بین زنان چقدر

است و چه عواملی بر این امر تأثیر گذارند؟

برخی از سوالات دیگر این مطالعه عبارت است از:

- آیا زنان در محیطها و فضاهای عمومی شهری (ایستگاههای تاکسی و اتوبوس، کوچه و خیابانهای محله، تلفن عمومی، رانندگی، پارکها و مراکز تفریحی، بازار، مکانهای ورزشی و ...) دچار مشکلی شدهاند و معمولاً در برابر انواع مشکلات چه واکنشی از خود نشان دادهاند؟
- زنان جهت محافظت از خود در مقابل جرائم سطح شهر چه تدابیری به کار می‌برند؟
- آیا بین روابط محله‌ای و ترس از جرم رابطه وجود دارد؟
- آیا بین ویژگی‌های محیطی محل زندگی و ترس از جرم رابطه وجود دارد؟

(۱) مبانی نظری

ارتباط بین شهر و جرم از آن روست که ویژگی‌های فضایی - محیطی شهر می‌تواند پرورش دهنده جرائم خاصی باشد.

نکته اساسی آن است که شرایط عینی و کالبدی زندگی شهری می‌تواند روابط شهروندان با شهر را محدود سازد. ریشه این محدود سازی تعاملات با شهر نگرانی و ترس آنان از تعرض اعمال و رفتارهای مجرمانه است. شهروندان برای کاهش آسیب‌ها و ضررهای چنین تعرضی ترجیح می‌دهند تا حیطة بده‌بستان خود را با شهر محدود کنند.

آسیب‌ها و پیامدهای ترس از جرائم برای همه گروه‌های اجتماعی به یک اندازه نیست. برخی از گروه‌های اجتماعی، به ویژه زنان، بنا به برخی مشاهدات و تجارب خود در زندگی بیشتر دچار احساس ترس از جرم می‌شوند. استانکو (E. Stanko) معتقد است که به طور ثابتی ترس از جرم در زنان سه برابر مردان است. دلایل این امر عبارتند از:

الف) زنان به لحاظ جسمانی توان کم‌تری در دفاع از خود دارند.

- ب) در زنان گرایش فزاینده‌ای برای به یاد آوردن تجارب اولیه زندگی و تسری ترسشان به سایر موقعیت‌های زندگی وجود دارد.
- ج) نگهداری و حفاظت از کودکان، زنان را بیشتر مستعد ترس از جرم می‌سازد.
- د) زنان کنترل کم‌تری بر حیطه خصوصی‌شان دارند، از این رو بیشتر می‌ترسند.
- ه) زنان نسبت به سایر انواع آسیب‌ها بیشتر در معرض تعرض جنسی قرار دارند از این رو به خطراتی که با آن مواجه می‌شوند عکس‌العمل واقع‌گرایانه‌ای نشان می‌دهند.
- و) زنان همواره با ترس از دنیای بیرون جامعه‌پذیر می‌شوند.
- ز) سطح ترس زنان معقول است ولی مردان تمایل دارند ترس‌های خود را طبیعی جلوه دهند (Stanko, 1992: 127).

در تعریف ترس معمولاً بیان می‌شود که ترس یک هیجان پیچیده است. ما بنا به دلایل مختلف و به طرق گوناگونی احساس ترس می‌کنیم. ترس چیزی فراتر از یک پاسخ خودکار به خطر است. وقتی که ما از چیزی می‌ترسیم این امر اغلب نتیجه تعاملات پیچیده بین ما، محیط اجتماعی و فیزیکی ما و پیشینه فرهنگی ماست. ترس در برگیرنده جسم، تحرک، حافظه، تجربه، سن، جنسیت، پنداشت ما از خود، عقاید و استدلال‌ات ما می‌باشد. از این رو ترس از جرم نیز بسان ترس، پدیده پیچیده‌ای است و می‌تواند بیانگر پنداشت ما از خطر، ترس از قربانی جرائم شدن، توجه به جرم به عنوان یک مسئله مربوط به سیاست‌گذاری‌های عمومی و حتی نگرانی از زندگی در کل باشد. ترس از جرم اشاره به این امر دارد که افراد چقدر از این‌که قربانی جرائم مشخصی باشند ترس دارند، این امر با میزان نگرانی ناشی از وقوع هر یک از این جرائم روشن می‌شود.

در تبیین ترس از جرم، جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان بر عوامل مختلفی تأکید کرده‌اند. در این مقاله سعی شده است تا تقسیم‌بندی چارچوب‌های نظری بر پایه مفهوم اساسی یا عامل اصلی هر نظریه انجام گیرد. به این ترتیب این نظریه‌ها در تبیین ترس از جرم بر عوامل زیر تأکید کرده‌اند:

۱-۱) عوامل جمعیت‌شناختی

در این گروه برخی از نظریه‌ها به بررسی کلی ترس از جرم پرداخته و جنسیت را به عنوان یکی از متغیرهای جمعیت‌شناختی مورد بررسی قرار داده‌اند. در اینجا میزان ترس از جرم در بین زنان و مردان مقایسه می‌شود.

دسته دیگر از آثار به طور خاص به مطالعه ترس از جرایم در بین زنان پرداخته‌اند. در این گروه عواملی نظیر تحصیلات، وضع تأهل، شغل، درآمد و سایر عوامل و ارتباط آن‌ها با ترس از جرایم در بین زنان بررسی شده است.

فرارو (K. Ferraro) معتقد بود که نمی‌توان ادعا کرد که ترس از جرم در بین زنان بیشتر متعلق به جوانان است. این پدیده هم در جوانان و هم در پیران وجود دارد. آنچه که در این دو گروه متفاوت است دلایلی است که برای ترس از جرایم ابراز می‌دارند. فرارو معتقد است که احساس ناامنی و ترس در زنان جوان بیشتر تحت تأثیر ترس از تعرض جنسی است (Ferraro, 1996:669).

در ادامه کار فرارو، وار (M. Warr) نیز متعقد بود که زنان زیر ۳۵ سال عمدتاً نگران تجاوز جنسی هستند ولی وقتی که پا به سن می‌گذارند این ترس در آن‌ها از بین نرفته و به شکل جدید، دوباره ظهور می‌یابد. از نظر وار در زنان پیر ترس از جرم ناشی از آسیب‌پذیری^۱ فزاینده آنان است (Warr, 1984:695). در این خصوص، برانگارت (R. G. Braungart) نیز عقیده دارد که ترس از خطر آزار و اذیت به‌طور خاص در بین آن بخش‌هایی از جمعیت بیشتر است که آسیب‌پذیرتر و منزوی‌تر هستند به‌ویژه پیرزن‌ها در این بخش قرار دارند (Braungart, 1980:231). برخی از صاحب‌نظران جرم‌شناسی در بررسی‌های خود بر «پایگاه اقتصادی - اجتماعی» تأکید ورزیده‌اند. کین در آثار خود نشان داده است زنانی که منزلت اقتصادی - اجتماعی پایینی دارند از این‌که به تنهایی در خارج از خانه قدم بزنند و یا شبی در خانه تنها باشد به شدت ترس و واهمه داشته‌اند. او همچنین نشان داد که این چنین ترسی در زنان مجرد

1. Vulnerability

بیشتر از زنان متأهل است.

پان تاسیز (C. Pantazis) معتقد بود مشکل زنانی که در فقر به سر می‌برند فقط فشار مالی نیست. برای مثال زنانی که درآمد اندکی دارند بیشتر مجبورند که در تاریکی شب در ایستگاه‌های مترو یا اتوبوس منتظر بمانند و یا این‌که آنان پول کافی جهت خرید ابزارهای ایمنی حفاظت از خانه‌شان را ندارند. به همین دلیل ترس از جرایم در آنان بیشتر خواهد بود (Pantazis 2000:418).

۲-۱) عوامل پیوند محله‌ای

استدلال این دیدگاه آن است که هرچه ارتباطات اجتماعی بین افراد یک اجتماع^۱ یا محله^۲ وسیع‌تر باشد و آنان بتوانند برای خود شبکه‌ای^۳ از روابط بسازند از این طریق احساس تعلق خاطر به اجتماع شکل خواهد گرفت و این چنین احساسی باعث کاهش ترس از جرایم در بین آنان خواهد شد.

مری (S. Merry) دریافت که ساکنینی که فاقد هر نوع پیوند و یا ارتباط اجتماعی بودند ترس بیشتری از جرایم داشتند (Merry, 1981:38). فیشر نیز نشان داد که بی‌اعتمادی بین همسایگان و بین هم‌محله‌ای‌ها باعث می‌شود آنان ارتباطات کم‌تری داشته باشند. فقدان ارتباطات و فضای بی‌اعتمادی باعث می‌شود تا ساکنان نسبت به دنیای بیرون از خود ترس و واهمه نشان دهند (Fischer, 1982:70).

گرین‌برگ و همکارانش نشان دادند که دلبستگی عاطفی به‌عنوان عنصر اساسی همبستگی اجتماعی، عامل اصلی کنترل منطقه‌ای به‌شمار می‌رود، چرا که احساس تعلق خاطر به اجتماع باعث می‌شود تا افراد احساس کنند که تحت کنترل اجتماع‌شان قرار دارند و اجتماع به فکر آنان است (Greenberg, 1982:128). از این رو احساس داشتن پشتیبان کرده و در نتیجه

1. Community
2. Neighborhood
3. Networks

محلشان را امن‌تر از آن چیزی فرض می‌کنند که واقعاً آن‌گونه است.

۳-۱) تجربه قبلی جرم

باید توجه داشت که تجربه قبلی جرایم خشونت‌آمیز شامل تعرض جنسی تا جرایم غیرخشونت‌آمیز نظیر مزاحمت تلفنی و یا تنه زدن در خیابان را شامل می‌شود. وار در آثار خود تأکید می‌ورزد که تجربه قبلی جرایم می‌تواند به شکل غیر مستقیم بر ترس تأثیر بگذارد (Warr, 1984, 697). در این زمینه کین هم عقیده دارد که تجربه حملات و تعرضات خاص نسبت به سایر عوامل به شکل بهتری ترس از جرم را تبیین می‌کند. حتی در کنار حملات و آزارهای فردی جدی نظیر تعرض جنسی، سایر تعرضات نظیر تهدید به این امر، تعقیب شدن، مزاحمت تلفنی و مواجهه با مردان عورت‌نما^۱ نیز موجب ترس می‌شوند (Keane, 1995, 447). از نظر مک‌میلان (R. Macmillan) و همکارانش تجربه رفتار تهدیدآمیز از منبعی ناشناخته و غریبه پتانسیل بیشتری را برای ترس از خشونت جنسی فراهم می‌آورد (Macmillan, 2000, 317).

۴-۱) ویژگی‌های فیزیکی محله (طراحی شهری)

در این دیدگاه استدلال بر آن است که برخی فضاهای شهری به گونه‌ای است که زمینه ترس بیشتری را فراهم می‌آورند. عدم وجود نور کافی در خیابان، خوابیدن بی سر پناهان و معتادان در کنار خیابان و نبود پیاده‌رو در اتوبان‌ها از آن جمله‌اند. در سال ۱۹۷۲ اسکار نیومن (O. Newman) نظریه فضای قابل دفاع^۲ را به عنوان ابزاری جهت کاهش جرم در نواحی شهری ارائه داد. او معتقد بود که فضاهایی که امکان دیدن و دیده شدن در آن‌ها بیشتر باشد و در ضمن امکان کمی برای فرار فراهم آورند پتانسیل کم‌تری برای فعالیت مجرمان فراهم می‌آورند. از این رو برای مثال استدلال می‌شود که نرده‌ها و پرچین‌ها

1. Indecent Exposure
2. Defensible Space

می‌توانند به عنوان موانع فیزیکی تلقی شوند و وجود نشانه‌های دیده‌بان محله‌ای^۱ حاکی از نظارت مردم بر همدیگر و مواظبت از یکدیگر باشد (Schweitzer, 1997:11).

در این چارچوب نظری، نظریه پنجره شکسته^۲ نیز مشهور است. جیمز کیو ویلسون (J. Q. Wilson) و جورج کلینگ (G. Killing)، صاحبان این نظریه معتقدند محله‌هایی که در آن‌ها نشانه‌هایی از بی‌توجهی و خرابی نظیر تلنبار شدن زباله‌ها، نمای بیرونی ناموزون ساختمان‌ها و پنجره‌های شکسته وجود دارد — به بیان دیگر امکان دسترسی مجرم مهیاست — حاکی از آن است که ساکنین آن محله احساس آسیب‌پذیری بیشتری دارند و قصد دارند از حضور، مشارکت و محافظت اجتماع خود کنار بکشند. این شاخص‌ها می‌توانند زمینه ایجاد جرم را فراهم کنند و نشانه آن باشند که ساکنین علاقه‌ای به مواجهه با جرایم ندارند تا خطر جرایم را در محل کاهش دهند. در نتیجه، زمختی و خرابی فیزیکی در بین ساکنین ترس بیشتری را فراهم خواهد آورد (Wilson & Killing, 1982:210).

لازم به ذکر است که این نظریه با عنوان نظریه نامدینیت^۳ نیز معروف است. در واقع در اینجا بر فحش و ناسزاهای نوشته شده بر روی دیوارها، آشغال‌ها، ساختمان‌های متروکه و یا تجمع مردمان بی سرپناه در محله‌ها توجه می‌شود.

در این نظریه به کاربری زمین نیز توجه شده است. جاکوبس معتقد است که محله‌هایی که کاربری‌های متنوعی نظیر تجاری، اداری و تفریحی دارند نسبت به محله‌هایی که فقط تک کاربری هستند امن‌ترند. نواحی چند کارکردی در طول روز و شب شهروندان را به خود جلب کرده و بدین وسیله نظارتی غیر رسمی فراهم می‌نمایند. برعکس، فعالیت مجرمان در اماکن خلوت بیشتر جریان می‌یابد (Jacobs, 1981:18).

-
1. Signs of Neighborhood Watch
 2. Broken Window
 3. Incivility

۱-۵) نظریه تنوع خرده فرهنگی

استدلال این نظریه آن است که در اجتماعاتی که در آنها تنوع قومی و نژادی بسیاری وجود دارد و این اقوام هر یک بدون پیوند با کلیت اجتماع از آداب و رسوم خود پیروی می‌کنند ترس از جرم بالا خواهد رفت.

مادریز نشان داد که چگونگی پیش‌داوری‌ها و پنداشته‌های افراد درباره تمایزات فرهنگی و نژادی و همچنین منزلت مهاجران، ترس بیشتری را در افراد به وجود می‌آورد (Madriz, 1997:45).

۱-۶) استراتژی مدیریت خطر

کوگان و ماکس فیلد معتقدند که رفتارهای ممانعت از جرم به دو مقوله عمده قابل تقسیم هستند: استراتژی مدیریت و استراتژی اجتناب از خطر. اینان بیان می‌دارند که هر فرد می‌تواند خطر تعرض به خود را با اجتناب از ورود به موقعیت‌ها و محیط‌های خطرناک کاهش دهد. خط‌مشی‌های مربوط به مدیریت خطر نیز وقتی می‌توانند به کار روند که فرد، خود را در یک موقعیت یا مکان بالقوه خطرناک بیابد و برای آن‌که در معرض خطر قرار نگیرد اقدامات پیشگیرانه‌ای انجام دهد. در نتیجه، طبق استدلال اصلی این نظریه، آنانی که این راهبردها را به کار می‌بندند احساس امنیت کم‌تری دارند و از این رو عموماً نگران‌تر هستند؛ چرا که اگر نمی‌ترسیدند این استراتژی‌ها را به کار نمی‌بستند (Skogan & Maxfield, 1980:78).

۱-۷) دیدگاه تأثیر رسانه

برخی از نظریه‌های مربوط به ترس از جرم بر تأثیر رسانه‌های جمعی در افزایش ترس از جرم تأکید ورزیده‌اند. البته عقیده بر آن است که نقش وسایل ارتباط جمعی در افزایش ترس از جرم پیچیده است. وظیفه رسانه‌ها آن است که در خصوص جرایم، مردم را مطلع کنند اما این امر می‌تواند پیامدهای مثبت و منفی داشته باشد. پیامدهای مثبت آن است که می‌توانند مردم را درباره وسعت واقعی جرایم آگاه نموده و آنان را آموزش دهند و در واقع

ابزاری در جهت ممانعت از جرم باشند. اما این رسانه‌ها در گزارش‌های خود درباره جرایم خشونت‌آمیز می‌توانند ترس را در مردم افزایش دهند. حضور وسیع رسانه‌ها و گزارش روزانه جرایم می‌تواند این پنداشت را به وجود آورد که جرایم (به ویژه آن جرایمی که مردم بیشتر از آن‌ها می‌ترسند) به شدت در حال رشد هستند.

۸-۱) مدل نظری

نظریات مطرح شده هرکدام بر متغیرهای مختلفی — که بر ترس از جرم و به‌ویژه ترس از جرم زنان تأثیرگذارند — تأکید داشتند. در صفحه بعد مدل نظری برآمده از این نظریات ارائه شده است.

۲) روش تحقیق

روش اصلی گردآوری اطلاعات در این تحقیق پیمایش بوده است؛ اما جهت پُربارتر کردن این روش، گام‌های چندی طی شد که عبارتند از:

الف) مرور گزارش‌های سازمانی و کارشناسی؛^۱

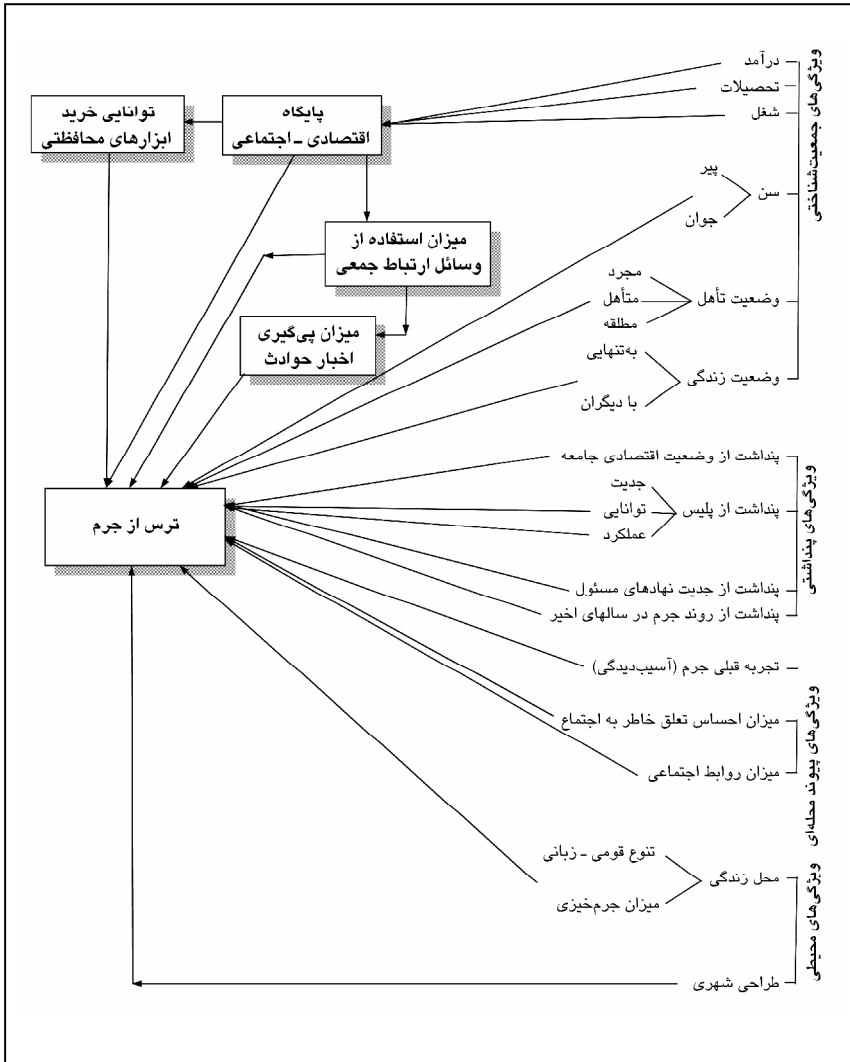
ب) مرور منابع تئوریک؛^۲

ج) جلسات متمرکز گروهی:^۳ قبل از تنظیم پرسشنامه پیمایش و با هدف درک زوایای پنهان ذهنیت افراد مورد مطالعه، ۱۱ جلسه متمرکز گروهی با دختران و زنان برگزار شد. عمده‌ترین سئوالات این جلسات عبارت بودند از:

• معمولاً برای قدم‌زدن، هواخوری یا تفریح کجا می‌روید؟ این مکان‌ها در کجای تهران قرار دارند؟ در این مکان‌ها چه چیزهایی توجه شما را جلب کرده است؟ چه چیزهایی شما را آزار داده است؟

1. Desk Review
2. Literature Review
3. Focus Group Discussions

تصویر ۱: مدل نظری عوامل مرتبط با ترس از جرم



- از منزل که خارج می‌شوید به چه فکر می‌کنید؟ چه چیزهایی شما را نگران می‌کند؟ چقدر تمرکز فکری دارید؟ چه چیزهایی را مرور می‌کنید؟ بیشتر چه کسانی را در سطح شهر می‌بینید؟
- در راه، در اتوبوس، در تاکسی، در اماکن شهری و ... حضور مردان چه اندازه توجه شما را جلب می‌کند؟ چه تلقی از برخورد آنان با خود دارید؟ چقدر از خود مواظبت می‌کنید؟
- در شهر چقدر احساس آرامش دارید؟ چه چیزهایی آرامش شما را مختل می‌کند؟ آیا شهر امن است؟

• امنیت یعنی چه؟ امن بودن یعنی چه؟

(د) پیمایش^۱ بر پایه مراحل پیشین، پرسش‌نامه‌ای تنظیم شد. این پرسش‌نامه جهت کسب اعتبار صوری در اختیار کارشناسان قرار گرفت و از طرف دیگر جهت رفع اشکالات محتوایی و اجرایی احتمالی مورد پیش‌آزمون واقع شد. جامعه آماری پیمایش، دختران و زنان ۱۴ سال و بالاتر ساکن در مناطق مختلف شهر تهران بودند. نمونه ۸۰۰ نفری پاسخگویان این پرسش‌نامه از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند.

از مجموع زنان مورد مطالعه، ۱۷ درصد ۱۴ تا ۲۰، ۴۴ درصد ۲۰ تا ۳۰ و ۱۷ درصد در گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال قرار داشت. ۱۲/۵ درصد نیز بیش از ۴۰ سال سن داشتند. ۵۳ درصد مجرد و ۴۴ درصد متأهل و مابقی بدون همسر (فوت یا طلاق) بودند. از نظر تحصیلی ۵ درصد ابتدایی، ۱۶ درصد راهنمایی و دبیرستان، ۳۹ درصد دیپلم، ۳۷ درصد لیسانس و بالاتر از لیسانس نیز ۳ درصد نمونه را به خود اختصاص داد.

(۳) یافته‌ها

- دختران واقع در سنین ۱۵ تا ۲۰ سال به دلیل ظاهر دانش‌آموزی‌شان کمتر نگران

1. Survey

سرقت بودند. این نگرانی در زنان بالای ۵۰ سال بیشتر بود.

• زنانی که در مناطق شمالی شهر زندگی می‌کنند خلوتی کوچک‌ها و معابر را عامل بسیار نگران‌کننده‌ای می‌دانستند. بیشتر آنان هم‌عقیده بودند که عبور و مرور در ساعت ۱ تا ۴ بعداز ظهر و به‌ویژه در تابستان و بعد از ساعت ۹ شب بسیار برایشان دلهره‌آور است. برخی از زنان معتقد بودند که نمی‌توانند به‌هم جنس خود کمک کنند چرا که خودشان نیز در معرض خطر قرار می‌گیرند و یا چون از مردان ضعیف‌ترند توانایی مقابله ندارند.

در مقابل زنانی که در مناطق میانی و متراکم شهر زندگی می‌کنند می‌گویند که به‌خاطر شلوغی، رفت و آمد برایشان راحت‌تر است و حتی تا ساعت ۱۱ شب نیز می‌توانند در این مناطق تردد داشته باشند، اما مشکلات دیگری همچون تنه‌خوردن، لمس شدن بدن، شنیدن متلک و حتی حرف‌های رکیک دارند. این زنان گمان می‌کردند که در مناطق بالای شهر امکان ندارد مردان متلک‌های جنسی به‌زنان بگویند و یا نوع پوشش زنان کمتر باعث نگاه خیره خیره و شهوت‌آلود مردان می‌شود. اما در مناطقی که این زنان زندگی می‌کنند در انتخاب لباس باید این موارد را نیز در نظر بگیرند و یا با شنیدن انواع متلک‌های رکیک و جنسی تاوان انتخاب خود را پس بدهند.

• اکثر زنان معتقد بودند که برای تردد در منطقه محل سکونت خود نگرانی کم‌تری دارند اما در هنگام تردد در مناطقی غیر از محل سکونت و به‌ویژه دور از محل زندگی، دچار اضطراب بیشتری می‌شوند.

• مسئله مشترک همه زنان شرکت‌کننده که به‌شدت آرامش روانی آنان را مختل می‌کند بوق زدن‌های رانندگان مرد غیر مسافرکش است.

• مخاطرات و جرائمی که زنان شرکت‌کننده در جلسات با آن مواجه شده‌اند:

الف) سرقت کیف پول، موبایل، گردن‌بند؛ ب) شنیدن متلک و الفاظ رکیک (تمام زنان به آن اشاره کردند)؛ ج) توقف اتومبیل و اصرار برای سوار شدن (۹۰ درصد زنان اشاره کردند)؛ د) لمس بدن و تنه‌زدن عمدی (۸۰ درصد زنان اشاره کردند)؛ آنان به‌ویژه به‌میدان انقلاب و امام‌حسین اشاره کردند)؛ ه) تعقیب و مزاحمت در کوچه‌های خلوت؛ و)

مواجه شدن با مردانی که با حرکات بدن و یا نشان دادن عضو جنسی زنان را تهدید می کنند؛ (ز) تمام زنان شرکت کننده هم چنین به ترس خود از معتادان، کارتن خواب ها، گدایان، به ویژه آنهایی که ظاهر نامتعارفی دارند نیز اشاره کردند. یکی از زنان با مردی مواجه شده بود که در کنار خیابان استمناء می کرده است؛ (ح) زنان هم چنین به خرابه های موجود در شهر و ساختمان های نیمه کاره اشاره کردند که عبور از کنار آن ها مخصوصاً در شب برایشان بسیار دلهره آور است.

• اکثر زنان با این گفته موافق بودند که در پس تمام اضطراب هایشان ترس از تجاوز و یا حتی لمس شدن نهفته است. اما تجاوز فقط یک روی سکه است. روی دیگر سکه برای این زنان برخورد اطرافیان و جامعه با زنی است که مورد تعرض جسمی و یا حتی زبانی قرار گرفته است.

• در کل، تمام زنان شرکت کننده، تهران را شهری ناامن می دانستند.

• زنان شرکت کننده بر سر این تعریف به توافق رسیدند که امنیت یعنی اینکه یک زن بتواند با آرامش خاطر و آسوده از چیزی که در درجه اول روح و روان و در درجه دوم جسم و مال وی را تهدید کند از حقوق انسانی خود در شهر برخوردار شود و برای حفظ خود مدام به حضور مردان خانواده محتاج نباشد.

• پردازش های آماری حاکی از آن است که در حدود ۴۸ درصد پاسخگویان در حد زیاد، ۳۳ درصد در حد متوسط و ۱۹ درصد در حد کم از وقوع جرایم در معابر عمومی و فضاهای شهری می ترسند.

• در حدود ۷۴ درصد پاسخگویان میزان جرم و جنایت در جامعه را در حد زیاد و خیلی زیاد می دانند.

• بیشتر پاسخگویان این پژوهش (۷۱ درصد) در حد متوسط، زیاد و خیلی زیاد اخبار مربوط به جرایم را پیگیری می کنند و مهم ترین منبع خبری پاسخگویان در درجه نخست تلویزیون و بعد از آن روزنامه ها هستند.

• در حدود ۶۰ درصد پاسخگویان در حد زیاد و خیلی زیاد با شنیدن یا خواندن اخبار

- جرایم و جنایات دچار دلهره می‌شوند.
- در حدود ۶۶ درصد از پاسخگویان با شنیدن یا خواندن اخبار جرم و جنایات بیشتر در روابط اجتماعی‌شان احتیاط می‌کنند.
- در حدود ۴۶ درصد از زنان مورد مطالعه، هنگامی که منتظر تاکسی هستند در حد زیاد و خیلی زیاد از به‌وجود آمدن خطری برای خود در هراسند. نیمی از پاسخگویان بیان داشته‌اند که در این وضعیت سایر رانندگان نیز با بوق زدن، چراغ زدن یا توقف برای آنان مزاحمت ایجاد کرده‌اند.
- در حدود یک‌سوم پاسخگویان بیان داشته‌اند که در تاکسی‌ها به میزان زیاد و خیلی زیاد مردان با نوع نشستن خود برای آنان مزاحمت ایجاد کرده‌اند.
- در حدود نیمی از پاسخگویان در حد زیاد و خیلی زیاد در هنگام تردد در معابر عمومی از مردان مزاحم متلک شنیده‌اند. اکثر این زنان در مقابل متلک واکنش نشان نداده و توجهی نکرده‌اند.
- ۱۵ درصد از زنان مورد مطالعه بیان داشته‌اند که به میزان زیادی به‌هنگام استفاده از تلفن عمومی با مزاحمت مواجه شده‌اند. این مزاحمت‌ها به شکل متلک، شماره دادن، پرسیدن سؤال بی‌مورد، نزدیک شدن بیش از حد، خیره نگاه کردن، چشمک‌زدن، تنه زدن، دست‌درازی، تعقیب و توقف اتومبیل‌ها بوده است.
- در حدود ۶۵ درصد از زنان مورد مطالعه‌ای که رانندگی می‌کنند بیان داشته‌اند که به‌هنگام رانندگی با مسخره کردن، لگد زدن موتورسواران، بوق‌زدن‌های زیاد، متلک گفتن، چراغ زدن‌های بی‌مورد و مسخره کردن مواجه شده‌اند.
- حدود ۳۴ درصد از زنان مورد مطالعه بیان داشته‌اند که در معابر عمومی در حد زیاد و خیلی زیاد مزاحمتی به آنان تنه زده یا آن‌ها را هل داده‌اند. نیمی از این زنان در مقابل این اعمال هیچ واکنشی از خود نشان نداده‌اند.
- در حدود ۱۹ درصد پاسخگویان در ۲ سال گذشته دچار سرقت در معابر عمومی شده‌اند.

- در حدود ۳۰ درصد از زنان مورد مطالعه‌ای که گفته‌اند در محله‌شان افراد خلافکار در جای ثابتی جمع می‌شوند اذعان کرده‌اند که این افراد تا حد زیاد و خیلی زیاد برایشان مزاحمت ایجاد می‌کنند. این مزاحمت‌ها اغلب متلک، حرف‌های رکبیک، ایجاد صداهای وحشتناک، نگاه‌های ناشایست، شماره دادن، تمسخر و غیره بوده است.
- در حدود ۷۳/۷ درصد زنان مورد مطالعه به هنگام تاریک بودن معابر و به‌خصوص کوچه‌ها به میزان زیاد و خیلی زیاد احساس خطر و دلهره می‌کنند.
- در حدود ۵۶ درصد از زنانی که بیان داشته‌اند در محله‌شان مناطق فرسوده و متروکه زیاد است به هنگام عبور از این مناطق در حد زیاد و خیلی زیاد دچار دلهره و ترس می‌شوند.
- در حدود ۳۰ درصد از پاسخگویان بعد از ساعت ۹ شب، ۲۳ درصد بعد از ساعت ۸ شب و ۱۶/۵ درصد بعد از ساعت ۱۰ شب برای بیرون رفتن از منزل دچار ترس و دلهره می‌شوند.
- در حدود ۳۳ درصد از زنان مورد مطالعه در بیرون از خانه برای محافظت از خود در حد زیادی از تدابیر امنیتی استفاده می‌کنند. این تدابیر شامل همراهی یکی از اعضای خانواده و به‌ویژه مردان، حمل چاقو، اسپری و غیره بوده است.
- نتایج نشان می‌دهد که در حدود ۷۶ درصد زنان به‌هنگام تاریکی، ۴۶ درصد برای رفتن به کوه، ۳۶ درصد برای رفتن به سینما و پارک، ۳۴ درصد برای رفتن به مکان‌های ورزشی و ۳۳ درصد برای رفتن به بازار در حد زیاد و خیلی زیادی از وقوع جرایم می‌ترسند.
- بین وضعیت تأهل و میزان ترس از جرائم رابطه معناداری وجود نداشته است.
- بین شیوه زندگی (تنها / با خانواده) و میزان ترس از جرائم رابطه معناداری وجود نداشته است.
- بین نوع پوشش و میزان ترس از جرائم رابطه معناداری وجود نداشته است.
- بین گروه‌های مختلف تحصیلی و میزان ترس از جرائم تفاوت معنی‌دار است؛ یعنی هرچه تحصیلات زنان ارتقاء یافته است میزان ترس از جرائم کاهش یافته است.
- بین وضعیت محله و میزان ترس از جرائم رابطه معناداری وجود داشت؛ یعنی ترس از جرائم در محلات با امکانات ضعیف بیشتر از آن دسته محلاتی بوده است که دارای

امکانات مطلوبی بوده‌اند.

- بین میزان رضایت از پلیس و میزان ترس از جرائم تفاوت معنی‌دار وجود دارد؛ یعنی کسانی که رضایت بیشتری از پلیس داشته‌اند میزان ترس آنان از جرائم کم‌تر بوده است.
- بین میزان رابطه با همسایگان و میزان ترس از جرائم تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد.
- بین میزان درآمد زنان و میزان ترس از جرائم در آنان تفاوت معنی‌دار است؛ یعنی زنان با درآمد بالاتر میزان کم‌تری ترس از جرائم دارند.
- بین سن زنان و میزان ترس از جرائم در آنان تفاوت معنی‌دار است. یعنی میزان ترس از جرائم در گروه‌های سنی زیر ۲۵ سال، بیشتر از گروه‌های سنی بالای ۴۵ سال بوده است.
- بین وضعیت اشتغال و میزان ترس از جرائم رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی میزان ترس از جرائم در زنان شاغل کم‌تر از زنان غیرشاغل است.
- بین ارزیابی زنان از میزان جرائم در جامعه و میزان ترس آنان از جرائم تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ یعنی زنانی که میزان جرم را در جامعه بیشتر می‌دانند دارای میزان بالاتری از ترس از جرائم بوده‌اند.
- بین پنداشت زنان از وضعیت اقتصادی جامعه و میزان ترس از جرائم آنان رابطه معنی‌داری وجود داشته است؛ یعنی زنانی که تلقی مثبت‌تری از وضع اقتصادی جامعه داشته‌اند دارای میزان ترس از جرم کم‌تری بوده‌اند.
- بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و ترس از جرائم، تفاوت معنی‌داری مشاهده نشده است.
- بین میزان پیگیری اخبار حوادث و میزان ترس از جرائم تفاوت معنی‌داری مشاهده نشده است.
- بین تجربه قبلی جرائم در زنان و میزان ترس آنان از جرائم تفاوت معنی‌داری مشاهده شده است؛ یعنی زنانی که قبلاً جرائمی را در حد زیاد تجربه کرده بودند دارای میزان بالایی از ترس از جرائم بودند.
- بین ترکیب قومی محل و میزان ترس از جرائم در زنان رابطه معنی‌داری مشاهده نشده است.

۴) بحث و بررسی

جهت بررسی پیوند یافته‌های این تحقیق لازم است تا نگاهی دوباره به نظریه‌های تبیین‌کننده مسئله داشته باشیم. چنانچه در بخش نظریه‌های تبیین‌کننده ترس از جرم اشاره شد، یکی از عوامل تأثیرگذار در میزان ترس از جرم، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بود. نتایج تحقیق نیز نشان می‌دهد که در جامعه ایرانی نیز دختران و زنان جوان بیشتر از زنان سالمند دچار ترس از جرم بوده‌اند و به علاوه نسبت به تعرض جنسی ترس بیشتری داشته‌اند. یافته دیگری که مؤید مدل ارائه شده است تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی بر میزان ترس از جرم است. پانتاسیز به عامل فقر زنان و تأثیر این عامل بر احساس آسیب‌پذیری تأکید می‌ورزید. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که تحصیلات، درآمد و وضع اشتغال با میزان ترس از جرم رابطه معنی‌داری داشته‌اند؛ یعنی در بین زنان دارای درآمد، شاغل و صاحب تحصیلات بالاتر میزان ترس از جرم نیز کم‌تر بوده است. یکی دیگر از عوامل تأکید شده در نظریه‌ها پیوند محله‌ای یا پیوندهای اجتماعی بوده است. یافته‌های این تحقیق رابطه معنی‌داری را بین میزان ترس از جرم و میزان رابطه با همسایگان نشان نمی‌دهد. این وضعیت می‌تواند ناشی از این امر باشد که احساس ترس از جرم به اندازه‌ای در زنان بالا رفته و شیوع یافته است که گسترش پیوند محله‌ای نمی‌تواند موجب کاهش آن شود. در واقع جرائم و مخاطرات شهری در محلات نیز رو به گسترش نهاده است و تأثیری بر میزان ترس از جرم نهاده که پیوند محله‌ای نمی‌تواند سبب کاهش آن شود. نکته جالب آن‌که چنین گسترشی حداقل در ذهنیت زنان تأیید شده است. یعنی بین ارزیابی زنان از میزان جرائم در جامعه و میزان ترس آنان رابطه معنی‌داری وجود داشته است. به عبارتی زنانی که میزان گسترش جرائم در جامعه را در حد بالایی دانسته‌اند ترس از جرم بیشتری نیز داشته‌اند. تأثیر تجربه قبلی قربانی جرائم شدن بر میزان ترس از جرم نیز همواره مورد تأکید کسانی چون وار و کین بوده است. یافته‌های این تحقیق مؤید آن است که در بین زنانی که قبلاً قربانی جرائمی شده و آسیب دیده‌اند میزان ترس از جرم بسیار بالاتر از زنانی بوده است که فاقد تجربه آسیب‌دیدگی و مواجهه با مجرمان بوده‌اند.

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر متغیر وابسته، ویژگی‌های فیزیکی و طراحی شهری محل سکونت بود. در این زمینه بر نظریه نیومن، ویلسون و کلینگ اشاره شد. یافته‌های این تحقیق عوامل تأکید شده این نظریه‌ها را تأیید می‌کند، چرا که میزان ترس از جرم در بین زنان ساکن در محلات فاقد امکانات و ظواهر شهری (نظیر نور کافی، باریکی کوچه‌ها و خیابان‌ها، وجود بناهای متروکه و فرسوده خالی از سکنه) به مراتب بیشتر از زنانی بوده است که امکانات شهری و محلات مطلوب‌تری برخوردار بوده‌اند.

در نهایت دو عاملی که مورد تأکید نظریه‌ها بوده‌اند در مطالعه حاضر تأیید نشد. یکی از این عوامل، رابطه میزان پیگیری اخبار حوادث از اطرافیان و استفاده از وسایل ارتباط جمعی و دیگری وجود تنوع یا یکدستی قومی در محل سکونت پاسخگو و رابطه آن‌ها با میزان ترس بوده است.

با توجه به مطالب پیش گفته و در یک ارزیابی کلی می‌توان مدل نظری مندرج در صفحه ۱۰ را مورد بازنگری قرار داد. در مدل مذکور بر چهار دسته از عوامل - جمعیت شناختی، پنداشتی، پیوندهای محله‌ای و محیطی - تأکید شده بود. یافته‌های تحقیق تأثیر عوامل جمعیت شناختی را تأیید می‌کنند هرچند که از این دسته عوامل باید میزان پی‌گیری اخبار و استفاده از رسانه‌ها را حذف کرد. عوامل پیوند محله‌ای در جامعه مورد بررسی تأثیرگذار نبوده، در مقابل، عوامل پنداشتی تأثیر بسیار زیادی بر ترس از قربانی جرائم شدن داشته‌اند. در بین عوامل محیطی نیز، عامل طراحی شهری تأیید شده اما ویژگی‌های قومی و زبانی تأثیرگذار نبوده‌اند.

۵) پیشنهادات

در مجموع برپایه یافته‌های این تحقیق سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های زیر قابل بررسی است: الف) بیشتر زنان اخبار مربوط به حوادث، جرم و جنایت را از تلویزیون می‌گیرند. لذا سیاست‌گذاری‌های آموزشی، فرهنگی و اطلاع‌رسانی درباره جرائم شهری و تدابیر مربوط به محافظت زنان در برابر این جرائم باید با تکیه بر این رسانه جمعی ارائه شود. هم‌اکنون شبکه پنج یا تهران در برخی موارد در برنامه «در شهر» به پخش اخبار

حوادث می‌پردازد و شبکه خبر نیز در هر شبانه‌روز ۱۵ دقیقه این اخبار را پخش می‌کند. جالب آن‌که به دلیل برخی محدودیت‌های اجتماعی - سیاسی، این شبکه‌ها تلاشی در جهت باز کردن جرائمی که زنان قربانیان اصلی آن هستند از خود نشان نمی‌دهند. این امر باعث شده است که اکثر اخبار به حوادث رانندگی یا سرقت اختصاص یابد. در بحث سرقت یا کیف‌قاپی نیز بیشتر با سارقان گفتگو می‌شود تا قربانیان. به نظر می‌رسد که تلویزیون می‌تواند برخورد فعالانه‌تری با موضوع داشته باشد. این رسانه همان‌گونه که تیزرهای تبلیغی مربوط به رانندگی را پخش می‌نماید می‌تواند نکات ایمنی و حفاظتی مربوط به زنان را در زندگی شهری و فضاهای عمومی نشان دهد.

ب) مسئله مهم دیگر، وضعیت یا ویژگی‌های محیطی - فیزیکی محلات است. هم‌اکنون پروژه‌های نیمه‌کاره شهری، ساختمان‌های متروکه و فرسوده یکی از معضلات شهر تهران است. با مرور اخبار حوادث درمی‌یابیم که جرائم بسیاری نظیر کودک آزاری و تجاوز جنسی در همین ساختمان‌ها یا مکان‌ها انجام می‌شود. لذا ترس زنان از این موارد طبیعی است. لازم است تا از این بُعد، حل این معضلات در دستور کار شهرداری‌ها قرار گیرد. نور کافی کوچه‌ها نیز از مشکلات دیگر شهر تهران است. به بیان بسیاری از زنان در جلسات متمرکز گروهی در کوچه یا اصلاً لامپی وجود ندارد، یا درون محفظه لامپ پُر از لاشه حشرات است و کسی آن‌ها را خالی نمی‌کند و یا لامپ‌ها در لای برگ‌ها و شاخه‌های درختان گم شده و نور ندارند. این مشکلات با پیگیری جدی‌تر قابل حل شدن است.

نکته دیگر معابر عمومی شهر است. در بسیاری از خیابان‌ها شاهدیم که یا پیاده‌روی وجود ندارد یا با عرض یک متر معبری در نظر گرفته شده است. عبور زنان از این دست خیابان‌ها اضطراب‌زا و ایجاد کننده ترس است، چرا که با معضل کیف‌قاپی یا دست‌درازی مواجه می‌شوند. لازم است تا در شهرسازی چنین مشکلاتی ملاحظه شود. درواقع شهرسازی باید نگاهی جامع به همه اقشار و گروه‌های اجتماعی داشته باشد.

ج) چنان‌چه این تحقیق نشان می‌دهد، زنان به دلیل جنسیت خود در معابر عمومی متلک می‌شوند، وقتی منتظر تاکسی هستند سایر رانندگان مزاحم آنان می‌شوند، در

کیوسک تلفن به آنها شماره داده می‌شود یا به سمت ماشین‌های پارک شده مورد اشاره قرار می‌گیرند، به‌هنگام رانندگی حرکات ناشایستی از مردان می‌بینند و غیره. حل چنین معضلاتی نیازمند فعالیتی سیستماتیک و سازمانی است. هم‌اکنون همه سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها دارای واحد امور بانوان هستند. هر سازمانی می‌تواند نکات ایمنی مربوط به این امور را چاپ و به اطلاع زنان سازمان متبوع خود برساند، همان‌گونه که درباره زلزله چنین بروشورهایی چاپ شده است.

- احمدی، حبیب. (۱۳۸۴)، *جامعه‌شناسی انحرافات*. تهران، انتشارات سمت.
- پیران، پرویز. (۱۳۶۶)، *دیدگاه‌های نثری درباره شهر و شهرنشینی*، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی.
- Braungart. M. M., Richard G., Braungarf & Hoyer, W. J. (1980), **Age, Sex and social factors in fear of crimes**. Sociological Focus, 13.
- Ferraro, K. (1996), **Woman Fear of Victimization: Shadow of Sexual Assault?**, Social Forces, 75.
- Fischer, Claude. (1982), **To Dwell among Friends**, Chicago, University of Chicago.
- Greenberg, Stephanie; Rone, W. & Williams, L. (1982), **Safety in Urban Neighborhoods**, Population and Environments, 5.
- Jacobs, J. (1981), **The Death and Life of Great American Cities**, New York, Vintage.
- Keane, Carl. (1995), **Victimization and Fear**, Canadian Journal of Criminology, 37.
- Macmillan, Ross; Nierobisz, A. & Welsh, Sandy (2000), **Experiencing the Streets: Harassment and Perception of Safety among Woean**, Journal of Research in Crime and Delinquency, 37
- Madriz, Esther. (1997), **Nothing Bad Happens to Good Girls: Fear of Crime in Woman's Lives**, Berkeley, University of California Press.
- Merry, Sally. (1981), *Urban Danger. Life in a Neighborhood of Strangers*, Philadelphia, Temp) & University.
- Pantasiz, Christina. (2000), **Fear of Crime, Poverty and Vulnerability**, British Journal of Criminology, 40.
- Schweitzer, J. H. et.al.(1977), **The Impact of the Built Environment on Crime and Fear of Crime in Urban Neighborhoods**, Journal of Urban Technology, Vol. 6, N.3
- Skogan W. G. & Maxfield, M. (1980), **Coping with Crime: Victimization, Fear and Reactions to Crime in Three American Cities**, Northwestern University, Centre for Urban Affairs.
- Stanko, Elizabeth. (1992), **The Case of Fearful Woman: Gender, Personal**

- Safety and fear of Crime**, Woman and Criminal Justice, 4.
- Warr, Mark. (1984), **Fear of Cictimizatin: Why Are Women and Elderly more Affaid?**, Social Science Quarterly, 65.
 - Wilson J. Q. & Killing, G. (1982), **Broken Windows**, Altantic Monthly, 211.